

آنچه تاکنون بیشتر در باره کرونا گفته و دیده شده، معطوف به تبعات و آسیب‌های وارده به بخش‌های مختلف در کشورهاست. اما آیا این ویروس عالمگیر و البته نوع مواجهه دولت‌ها با آن هیچ نقطه مثبتی به همراه نداشته است؟ محمد فاضلی، عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی و تحلیلگر مسائل سیاسی و اجتماعی معتقد است پاسخ به این سؤال نمی‌تواند مثبت باشد. او در گفت‌وگوی پیش رو به مدیریت کرونایی در ایران متمرکز شده و دستاوردهایی برای دولت در ۴ ماه مقابله با این بیماری بر می‌شمارد. از جمله همانگی و همکاری و همراستایی بخش‌های مختلف حاکمیت، مهیا شدن فضا برای گفت‌وگوی بیشتر مردم و روشنفکران با یکدیگر، از میان برداشتن برخی قواعد بروکراسی دست و پاگیر و... به اعتقاد فاضلی، بنیان اصلی فراهم شدن همکاری مردم با حکومت در این ماجرا یک منفعت مشترک بین هر دو بخش بوده است که اگر به رسمیت شناختن و تعریف این منافع مشترک به حوزه‌های دیگر هم سرایت یابد، تجربه کرونایی می‌تواند نقطه عطفی برای کارآمدتر کردن حکمرانی در ایران باشد. بر همین اساس او پیشنهاد می‌دهد که دستاوردهای مختلف حاصل شده حتماً باید احصا، مستند و نهاده‌ینه شود نه آنکه مثل بسیاری از حوادث دیگر به دست فراموشی سپرده شود. این استاد دانشگاه معتقد است که دولت هم در ماجرای کرونا چهره کارآمدتری از خود نشان داده و همین عملکرد باعث شده تا سرمایه اجتماعی آن بالا برود و در حقیقت حس دولت‌داری برای مردم بیشتر محسوس شود. بر همین اساس معتقد است که توسعه بدون دست مقتدر امکان پذیر نیست البته یادآوری می‌کند که هم‌زمان با اقتدار دولت جامعه هم باید قوی شود. فاضلی در نهایت تأکید می‌کند کرونا شمشیر دو لب و بسیار بران است. اگر درس بگیریم و ضعف‌های خود را درک و باور نکنیم، چشم‌انداز روشنی پیش روی ما نخواهد بود.

■ برخی ادعای کنند، تاپیش از کرونا شاهد غیبت دستاورد دولت بودیم. درباره برجام اجماعی در کشور وجود نداشت و در نهایت هم ترامپ از آن خارج شد، سال پیش ماجرای آن ماه رخ داد و بعد از آن شلیک به‌هواییمای اوکراینی، همه‌اینها باعث ایجاد شرایطی شد تا برخی از این شرایط به‌عنوان افول دولت یاحس بی‌دولتی نام ببرند، اما پس از شیوع کرونا بار دیگر شاهد احیای مفهوم دولت و احساس دستاورد و کارکرد آن بودیم، تاجایی که دریافتیم، باوجود تلاش‌های اپوزیسیون، دولت داشتن بهتر از بی‌دولتی است.

بی‌دستوارد بودن دولت ادعای مناشده بر انگیزی است، زیرا بسیاری معتقدند دولت دستاورد داشته و حتی برای همین برجام نیمه‌جان هم دستاوردی قائل هستند. کما اینکه امروز امریکایی‌ها می‌گویند مطابق برجام، چند ماه دیگر تحریم‌های تسلیحات متعارف ایران برداشته می‌شود و جهان باید بار دیگر تجارت سلاح برای ایران را منع کند. گذشته از این، حداقل، اگر با وزارت خارجه گفت‌وگو کنید، حتماً دستاورد‌های بیشتری در سیاست خارجی برای شما برمی‌شمرد. در عرصه‌های دیگر هم وجود دستاورد برای دولت حتماً طرفدارانی دارد که من اکنون در موضع دفاع یا رد نیستم، فقط خواستم به این نکته اشاره کنم این‌طور نیست که همگان اجماع داشته باشند دولت بی‌دستوارد است. به نظرم به جای صحبت از غیبت دستاورد دولت، می‌توان گفت اجماعی وجود دارد مبنی بر اینکه دولت با مشکلات بسیار بزرگی مواجه است. این مشکلات یا مسائل اصلی کشور به گونه‌ای هستند که دولت به دولت بدتر هم می‌شود. به عبارت دیگر، این مسأله‌ها خاصیت گلوله برقی دارند، درست مانند گلوله برقی که در انیمیشن پلنگ صورتی دیده‌اید؛ سکه‌ای از بالای کوه پوشیده‌از برف رها شد و وقتی سکه به پایین رسید، شهری را نابود کرد. این مسائل هم خصیصه‌های گلوله برقی کوه حکمرانی و سیاست در ایران هستند. به‌عنوان مثال، اگر امروز نقدیگی در کشور به دو میلیون میلیارد تومان یا بیشتر رسیده، به این دلیل است که در همه چند دهه گذشته رشد نرخ نقدیگی تقریباً کمتر از ۲۵ درصد نبوده است. طبیعی است که با این نرخ رشد نقدیگی وضعیت به اینجا می‌رسد که البته در دولت بعدی وضعیت بدتری خواهد داشت. در زمینه محیط زیست هم اگر در رویکرد توسعه مبتنی بر استفاده بهره‌گشانه از محیط زیست تجدیدنظر نشود، وضعیت محیط زیست در آینده بدتر خواهد شد. این امور به این معنی است که اگر این مسائل به گونه‌ای حل نشوند که به بهبود ریشه‌ای در حکمرانی منتهی شود، وضع دولت بعدی به مراتب از دولت فعلی بدتر خواهد بود و ما رو به بهبود نخواهیم رفت؛ زیرا این‌طور نیست که مسأله‌های خود را حل نکنیم و در عین حال انتظار داشته باشیم به صرف اینکه آدم‌ها یا حرف‌های دولت به‌دفعه عوض می‌شود، وضع بهتر شود.

اما درباره بخش دوم سؤال شما مبنی بر اینکه پس از شیوع کرونا، مردم دولت را حس کردند، به باور من، حس شدن حضور دولت محصول چند عامل است. نخست اینکه بحران به حدی گسترده بود که هیچ بخشی از حاکمیت نتوانست بگوید این، مسأله من نیست. ۴۰ سال گذشته نادر مسائلی پدید آمدند که همه حاکمیت یکصدا آن را مسأله خودشان دانستند؛ جنگ یکی از این مسائل بود و دیگری کرونا. به همین دلیل در ستاد ملی مقابله با کرونا دیدیم که هم رئیس جمهوری نشسته و هم رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، نماینده قوه قضائیه و رئیس صداوسیما هم دور آن میز می‌نشستند. به این دلیل که این مسأله منوچه کل حاکمیت بود و بعد از یک هفته عمق بحران نشان داد که کرونا فقط مسأله دولت حسن روحانی نیست و اگر مهار نشود، می‌تواند کل حاکمیت را به چالش بکشد. مسأله دوم صداوسیما است. درست برخلاف عده‌ای که فکر می‌کنند صداوسیما اثری ندارد، یا شاید بخش تحلیل خبری صداوسیما مخاطب چندانی ندارد، معتقدم صداوسیما کم‌اگان رسانه‌تعیین‌کننده‌ای است؛ گاه به شکل سازنده هم تعیین‌کننده است، اما از منظر تخریب، حتماً رسانه تعیین‌کننده‌ای است. به این معنی که اگر صداوسیما تصمیم بگیرد دولتی را خوب و با دستاورد جلوه دهد، شاید موفق نشود، اما اگر تصمیم بگیرد دولتی را از ریشه بزند حتماً موفق می‌شود و می‌تواند دستاورد‌های آن را نابود کند. از آنجا که در بحران

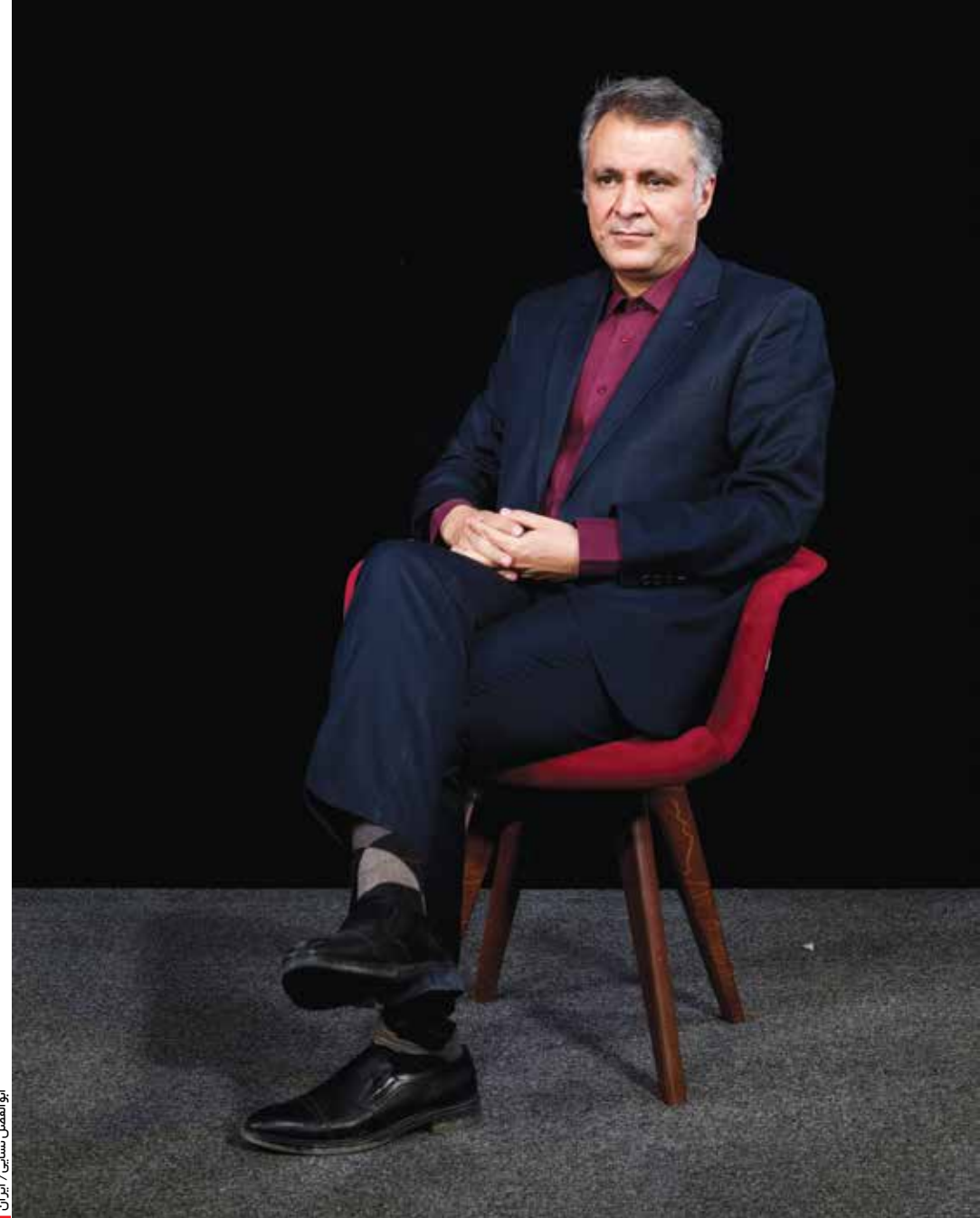
## ۴۴

در ۴۰ سال گذشته نادر مسائلی پدید آمدند که همه حاکمیت یکصدا آن دانستند؛ جنگ یکی از این مسائل بود و دیگری کرونا. به همین دلیل در ستاد ملی مقابله با کرونا دیدیم که هم رئیس جمهوری نشسته و هم رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، نماینده قوه قضائیه و رئیس صداوسیما هم دور آن میز می‌نشستند. به این دلیل که این مسأله متوجه کل حاکمیت بود و بعد از یک هفته عمق بحران نشان داد که کرونا فقط مسأله دولت حسن روحانی نیست و اگر مهار نشود، می‌تواند کل حاکمیت را به چالش بکشد

## محمد فاضلی از چرایی همکاری مردم و حاکمیت در مقابل ویروس همه گیر می گوید

# در مدیریت کرونایی جامعه به رسمیت شناخته شد

## کیفیت مواجهه با کرونا سرمایه اجتماعی دولت را بالا برد



بوالفضل فاضلی / ایران

دیگر مردم این است که هر چه زودتر بیماری کوید ۱۹ مهار شود و کسب و کارها به روال سابق بازگردد. همه می‌دانند توان اقتصادی امروز ما به اندازه

امریکا یا فرانسه نیست. مردم فهمیدن دولت نمی‌تواند مانند دولت فرانسه یا آلمان در اقتصاد مداخله یا از کسب و کارها حمایت کند. بنابراین محاسبه عقلانی از سوی مردم محرز کرد که بهتر است هرچه زودتر این بیماری مهار شود. حاکمیت نیز در اینجا با مردم شریک شد. به این معنی که نشان داد هیچ انگیزه‌ای ندارد، غیر از اینکه جان مردم را حفظ کند و با تلاش برای بازگشت سریع‌تر اقتصاد به روال عادی، هزینه بیشتری تحمل نکند. هر روز تعطیلی اقتصاد، یعنی بیکاری بیشتر و یا خالی ماندن خزانه دولتی که تحت فشار به نقطه‌ای رسیده است که از صندوق بین‌المللی پول ۵میلیارد دلاروام درخواست می‌کند. بنابراین پیام‌هایی که حاکمیت به مردم داد، قابل خوانش بود. حاکمیت ادعا نکرد و گفت که اصلاً به کمک جهان احتیاج ندارم، بلکه ۵میلیارد دلاروام درخواست کرد. بگذریم از مسأله پزشکان بدون مرز که به باور من ناشی از سیستم بروکراتیک چندباره ما بود، اگر کشوری کمک فرستاد قبول شد؛ درحالی که در شرایط عادی معمولاً این کمک‌ها را دریافت نمی‌کنیم چه بسا به جهان می‌گوییم که به شما کمک کنیم، اما یکم عده‌ای خواستند به ملت مستضعف امریکا کمک کنند! آنچه اتفاق افتاد، این واقعیت بود که مردم مشاهده کردند حاکمیت و دولت نمی‌گوید خودم بldم یا به کمک نیاز ندارم، در مقابل رئیس جمهوری یک پیام مشخص به مردم داده است که جان و نان ما هم مهم است و من دارم تلاش می‌کنم هم نان و هم جان مردم حفظ شود. او در عین حال انکار نکرد که در شرایط دشوار تحریمی هستیم و با اعطای وام یک میلیون تومانی به مردم، عملاً نشان داد که دستان دولت در این زمینه

**اجماعی برسیم، اما برجام همچنان سیاست اختلافی باقی ماند؟ دیگر اینکه آیا تجربه کرونا می‌تواند نقشه راه برای حاکمیت در ایران و حکمرانی باشد؟**

قطعاً می‌تواند، درباره بخش نخست سؤال شما؛ هیچ کشوری نمی‌تواند برنامه توسعه اجرا کند درحالی که دولتمردان احساس کنند هر کاری انجام دهند، بخش دیگری از حاکمیت اعم از رسانه یا بخش دیگری هستند که برای تاکی این پیروژه تلاش می‌کنند. در تعبیر دیگر، هیچ کشوری نمی‌تواند دست به اصلاحات بزند، درحالی که وقتی تصمیم به انجام کاری می‌گیرد، آدم‌هایش به خیانت متهم شوند. در داستان کرونا هیچ کس وزیر بهداشت را به خیانت متهم نکرد، حتی اگر بخشی از حاکمیت معتقد بود پروازها به چین اشتباه بوده است، این را به رخ دولت نکشید. بنابراین، تجربه مقابله با کرونا قطعاً نقشه راه است مبنی بر اینکه اگر حکومت می‌خواهد مشکلات خود را حل کند، همه باید با هم و در انسجام ارگانیک باشند. درس بزرگ‌تر کرونا، همراهی و همراستایی حکومت و مردم است. در سابقه ذهنی خودم کمتر سراغ دارم که اکثریتی از جمعیت کشور، پدیده‌ای به بزرگی ۱۳ بدر امسال را رقم بزنند، پدیده‌ای که طی آن حاکمیت و مردم با هم تصمیم گرفتند کاری را انجام ندهند، یعنی در خانه بمانیم. باید سازوکار این پدیده را بررسی کرد که چه اتفاقی افتاد تا این همراستایی در منافع مردم و منافع حکومت ایجاد شد.

■ **آیا می‌توان یکپارچگی حاکمیت، شفافیت در حکمرانی یا تصمیم اجماعی ستاد ملی مقابله با کرونا را که حتی استانداران و رؤسای دانشگاه‌های علوم پزشکی هم مشارکت داشتند در شکل‌گیری این دستاورد مؤثر دانست؟**

بنیادی‌ترین عامل این است که مردم برای خود منفعتی به نام حفظ جان قائل بودند. منفعت

به صحنه آمدند و تلاش کردند در متن‌ها یا گفتارهای خود پیامدهای این مسأله را تشریح کنند.

به باور من، اگر موفقیتی در کرونا حاصل شد، اگر ماکمتر از بسیاری از کشورها کشته دادیم، اگر به نسبت یک کشور تحت تحریم، پایداری اقتصادی از خود نشان دادیم، محصول این عوامل چندگانه است. هرچند ممکن است عده‌ای این واقعیت را به رسمیت شناسند، اما حقیقت این است که مردم ما هیچ فروشگاهی را غارت نکردند. یک طرف این مسأله، مردم هستند، اما طرف دیگر دولتی قرار دارد که نتوانست به گونه‌ای عمل کند تا غارت فروشگاه‌ها رخ ندهد، یا در ایران شاهد حمله مردم به پلیس نبودیم، درحالی که در برخی کشورهای توسعه‌یافته مردم درواکش به صورت پلیس آب دهن می‌نداختند. ما شاهد چنین رفتارهایی نبودیم. این دستاورد، حاصل آن جوهره‌ای است که میان حکومت و مردم شکل گرفت که نقطه بنیادی آن نیز، منفعت مشترک است. اگر حاکمیت بتواند در هر موضوع دیگری اعم از برجام، رابطه با امریکا، اصلاحات بانکی، محیط زیست، برق و بازارها، منفعت مشترک میان خود و مردم را تعریف کند، می‌توانیم تجربه کرونا را تکرار کنیم. در غیر این صورت، اگر مانند برجام، شدت اختلاف به حدی باشد که عده‌ای از مردم وزیر خارجه را امیرکبیر تصویر کنند و طرف دیگر او را خائن بنامد، در چنین شکافی نمی‌توان مسأله‌ای را حل کرد یا به دستاوردی رسید. در داستان کرونا هیچکس به خیانت متهم نشد، بلکه وزیر بهداشت به اندازه ظرفیتش دیده و متجدد شد.

■ **تجربه نشان داده است که معمولاً دستاوردهایی مانند آنچه شمار برشمردید، ثابت نمی‌ماند و نمی‌توانیم آن را به یک فرایند نهاده‌ینه شده و تکرار شونده تبدیل کنیم. چه می‌شود کرد یا چه شرایطی باعث خواهد شد تجربه همگرایی و همراستایی به‌همراه منفعت مشترک در مقابله با کرونا به یک فرایند تبدیل شود؟**

من عضو هیأت گزارش ملی پلاسکو و عضو هیأت ملی گزارش سیلاب‌ها بودام. در روزهای نخست شیوع کرونا، براساس این دو تجربه ۱۰ پیشنهاد را برای دولت و کل حاکمیت مطرح کردم. یکی از پیشنهادها این بود که یک گروه مستندساز، نه به معنای فیلمساز، بلکه گروهی که اسناد، مدارک و اطلاعات را ثبت و ضبط کرده و آرشيو غنی بسازند، تعیین شود تا با ثبت همه رویدادها و تصمیم‌ها در مواجهه با کرونا، به طور دقیق مشخص شود که در مقابله با این ویروس چه کردیم؟ کجا اختلاف داشتیم و کجا اختلاف‌های خود را به سرعت رفع کردیم؟ یکی از دوستان نقل می‌کرد که قبل از کرونا اگر کسی می‌خواست مجوز احداث کارگاه تولید ماسک یا الکول تراش کند، باید قریب به یک سال تلاش می‌کرد تا بتواند این مجوز را از بروکراسی اداری بگیرد. اما در داستان کرونا، گرفتن مجوز ساخت ماسک یا راه‌اندازی خط تولید الکل، به دویا سه روز کاهش یافت. سؤال این است: چگونه است که در دوره شیوع کرونا می‌توانیم ۲ یا ۳ روزه مجوز بدهیم، اما در شرایط عادی این فرآیند یک سال طول می‌کشد؟ این‌ها تحولات و فرآیندهایی است که باید مستند شود. اما گذشته از این، به شرطی می‌توانیم تجربه کرونا را به یک فرآیند تبدیل کنیم که در چند سطح این تجربه را شناسایی کنیم: نخست سطح «منطق موقعیت» است؛ موقعیت اینکه در مقایسه با سایر کشورها، ایرانیان کمتری به‌دلیل ابتلا به کوید۱۹ جان خود را از دست دادند یا اینکه برخی تصور می‌کردند کرونا باعث فروپاشی جامعه ایران می‌شود. هم‌راستا شدن منافع حاکمیت و مردم، هماهنگ شدن کل حکومت و اپوزیسیون نشدن یک بخش حکومت علیه بخش دیگر می‌تواند سطوحی از این منظور موقعیت باشد. البته باید توجه داشت که منظور از هم‌راستایی منافع حاکمیت و مردم، این نیست که حکومت بکطرفه به مردم گفته به نفع شما عمل می‌کنم و شما هم باور کنید، بلکه مردم باید ببینند و حس کنند که آنچه حاکمیت می‌گوید به نفع شان است. به همین دلیل معتقدم حتی اگر حسن روحانی از مردم نمی‌خواست که روز طبیعت از خانه بیرون بروند، باز هم اکثریتی بیرون نمی‌رفتند. منطق موقعیت دیگر این است که نباید خودمان اپوزیسیون خودمان باشیم. اینکه یک بخش از حاکمیت اپوزیسیون بخش دیگر باشد، تا بد ما را به بدبختی می‌کشاند. باید این مسأله را حل کرد. منتقد روانه یا اپوزیسیون بودن تفاوت دارد. گاهی یک رسد به طبعاً اثر این دو متفاوت حسن روحانی یا احمدی‌نژاد یا دولت حاکمرانی بد می‌گوید، اما گاهی صداوسیمای جمهوری اسلامی بد می‌گوید که طبعاً اثر این دو متفاوت است. هماهنگ شدن نیز سطح دیگری از منطق این موقعیت است. ببینید! مسأله‌های حکمرانی و حکومت‌داری در جهان عمدتاً میان بخش هستند. پیش‌تر نوشته‌ام دولتی که می‌خواهد با کرونا مقابله کند، باید چند ویژگی داشته باشد که یکی از آن‌ها، شناسایی نیازمندی مهار کرونا به عرصه‌های مختلف است. به‌عنوان مثال اگر می‌خواهیم مقابل کرونا موفق شویم، آموزش و پرورش باید بتواند برنامه‌های درسی را به‌صورت آنلاین دنبال کند. در این صورت نیازمند هماهنگی این وزارتخانه با وزارت ارتباطات هستیم. یا بخش آب و برق هم باید به خوبی فعالیت می‌کرد تا آب شهروندان تأمین شود، زیرا اگر آب نبود و شست و شوها اتفاق نمی‌افتاد، احتمالاً میزان ابتلاافزاش می‌یافت. علاوه بر هماهنگی، در مواجهه با کرونا